

علل گرایش به قاچاق مواد مخدر و راه‌های پیشگیری از آن

قاسم میدری (دادستان نظامی استان کرمان)



نیامده است.

اسلامی و پس از آن، تشکیل نهادها و بنیادهای مردمی که نقطه درخشان و بی‌نظیر آن مشارکت در دفاع مقدس بود؛ ولی هنوز شاهدیم که طی سالهای اخیر، حضور و مشارکت مردم محدود به شرایط و موارد خاص بوده و در بسیاری از جریاناتی که بیشترین ارتباط را با مردم داشته نهادهای دولتی نقش اصلی را ایفا کرده‌اند. نمونه بارز آن، مبارزه با مواد مخدر است که مردم در این فرایند، کمترین نقش را بر عهده داشته‌اند. این وضعیت ما را ترغیب می‌کند که نقاط ضعف و قوت کوششهای گذشته در راه مبارزه با این بزه را بدرستی ارزیابی نماییم و راهکارهای مناسب با شرایط اجتماعی و فدرهنگی خود را پیدا کرده و به کار ببریم.

اهمیت بیشتر موضوع از آنجا نمایان می‌شود که جریان تولید، قاچاق، توزیع و سوء

ایران نیز به دلیل اینکه بر سر راه یکی از مسیرهای مهم حمل و نقل افیونی قرار دارد، و به دلایل تاریخی و اجتماعی دیگر، یکی از قربانیان بزرگ سوء مصرف در جهان به شمار می‌رود و با آنکه طی بیست و دو سال گذشته قربانیان زیادی در راه مبارزه با این مشکل ملی داده شده و بخش عظیمی از سرمایه‌های ملی را صرف پیشگیری و غلبه بر این معضل کرده‌ایم؛ لکن نتایج حاصله رضایت بخش نبوده است. از طرفی، گسترش مواد مخدر و ناتوانی سازمانهای مسئول مبارزه با مواد مخدر، امروز بیش از گذشته نمایان شده است. مسئولان ضمن بحرانی خواندن اوضاع، از بن بست مبارزه با مواد مخدر سخن می‌گویند. مشارکت مردم ما در سرنوشت سیاسی و اجتماعی و در جریان پیروزی انقلاب

سوء مصرف مواد، یکی از مهمترین مشکلات عصر حاضر می‌باشد که گستره‌ای جهانی پیدا کرده است. در سرزمین ما ایران، مصرف تریاک با مقاصد درمانی صدها سال سابقه داشته و تاریخچه اعتیاد حداقل به چهارصد سال قبل بازمی‌گردد. همجواری کشور ما با دو کشور اصلی تولیدکننده مواد افیونی در جهان، افغانستان و پاکستان، شرایط را کاملاً بحرانی نموده است.

اگر به قاچاق مواد مخدر از هر زاویه‌ای اعم از روانی، اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی و... نگاه کنیم، یکی از معضلات بسیار مهم جهانی است که به‌رغم کوشش‌های به عمل آمده و هزینه‌های بسیار سنگین مبارزه با آن، هنوز راه حل مناسب و قابل قبولی برای چیره شدن بر این معضل خانمانسوز به دست

پندهای امام صادق (ع) به عبدالله بن جنبد

ای پسر جنبد! به شیعیان ابلاغ کن و بگو: دستخوش افکار پراکنده نشوید. به خدا، جز با پرهیزگاری و کوشش در دنیا و مساوات با برادران در راه خدا، به ولایت ما نتوان رسید. آن که به مردم ستم کند شیعه ما نیست.

ای پسر جنبد! شیعیان ما را با نشانه‌هایی چند باید شناخت: سخاوت، بخشش به برادران، پنجاه رکعت نماز (واجب و نافله) شبانه روز.

شیعیان ما نه (از بی صبری) چون سگان (در سرما) زوزه کشند، نه چون کلاغ طعم ورزند، نه در مجاورت دشمنان ما سکونت کنند، نه دست سؤال به سوی دشمن ما دراز کنند، گرچه از گرسنگی جان دهند. شیعه ما مارماهی نخورد، روی کفش مسح نکشد، مراقب اول ظهر (برای نماز) باشد. مسکرات ننوشد.

عرض کردم: قربانت شوم! چنین شیعه‌ای را کجا یابم؟ فرمود: سر کوه‌ها، و گوشه و کنار شهرها. چون به شهری وارد شوی سراغ کسانی را بگیر که نه آنها با مردم آمیزش دارند و نه مردم با آنها. چنین کسی مؤمن است، همان‌طور که خداوند (در مورد حبیب نجار) می‌فرماید: مردی از دورترین نقطه شهر شتابان آمد.... به خدا، حبیب نجار تنها بودای پسر جنبد! همه گناهان قابل آمرزشند، جز ستم به هم مسکانت و همه نیکی‌ها قابل قبول درگاه خداوند تبارک و تعالی هستند، جز آنچه با ریا

مصرف مواد مخدر یک خطر جدی است که کمترین آثار آن شامل اعتیاد جوانان، شیوع بیمارهای خطرناکی مانند ایدز و فروپاشی کانون خانوادگی است. بروز و شیوع این بلیه خطرناک انسان را در سرانجامی سقوط و انحطاط قرار می‌دهد.

گسترش اعتیاد، سر آغاز شکست در برابر تهاجم فرهنگی است؛ زیرا اعتیاد موجب بی‌هویتی افراد و بی‌اعتنایی نسبت به سرنوشت خویش و جامعه می‌گردد و جامعه بی‌تفاوت، براحتهی سلطه بیگانگان را می‌پذیرد. علاوه بر آن، جریان قاچاق این قابلیت را دارد که بتواند به عنوان یک تهدید ملی و امنیتی بر سرنوشت حکومتها نیز تأثیر بگذارد و آمیختگی قاچاق سلاح و مواد مخدر نیز یک خطر جدی است. بحران مواد مخدر در کنار سه بحران دیگر؛ یعنی "بحران نابودی محیط زیست، بحران تهدید اتمی و بحران فقر" به عنوان مسئله جهانی درآمد، است، که متأسفانه دامنه این بحران گریبانگیر نظام جمهوری اسلامی نیز شده و می‌رود تا به یک تهدید ملی تبدیل گردد.

امروزه بیشترین جرایم که همه دستگاههای نظامی و انتظامی بویژه تشکیلات قضایی را مشغول کرده است، موضوع مواد مخدر است که قانونگذار نیز برای مبارزه بی‌امان با این بلای خانمانسوز، هر چند گاهی تغییراتی را در کیفیت و کمیت مجازات مرتکبین به این جرم داده است.

اولین قانون رسمی ممنوعیت مصرف مواد مخدر در سال ۱۲۹۰، در قانون "تجدید تریاک" به تصویب رسید که در آن پیش‌بینی شده بود، استعمال شیره کلاً بعد از هشت سال و استعمال تریاک غیر از آنچه که برای درمان لازم است ممنوع گردید. در سال ۱۳۰۷، طبق قانون "انحصار دولتی تریاک"، دولت مکلف شد از تاریخ تصویب این قانون تا ده سال، استعمال تریاک در غیر موارد طبی در تمامی مملکت را مطرود و ممنوع نماید.

در سال ۱۳۲۰، به دلیل عدم ریشه‌کنی اعتیاد، قانون فروش تریاک به معتادان با ارائه پروانه مخصوص به تصویب رسید. در سال ۱۳۴۷، جهت جلوگیری از اعتیاد کارکنان و کارگران، قانون انفسال خدمت یا اخراج معتادان به تصویب رسید.

در سال ۱۳۵۹، بعد از تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران، مصرف هر نوع مواد، غیرقانونی اعلام شد و به معتادان شش ماه فرصت داده شد تا برای ترک اعتیاد اقدام نمایند. در سال ۱۳۶۷، پس از پایان جنگ، قانون جدید مبارزه با مواد مخدر در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید که طبق آن، مصرف مواد جرم تلقی می‌شد و براساس آن کلیه معتادان بایستی ظرف شش ماه اقدام به ترک می‌نمودند، و سرانجام در سال

۱۳۷۷، اصلاحیه‌ای به قانون مذکور اضافه گردید که براساس آن، اعتیاد جرم است، لکن به کلیه معتادان اجازه داده می‌شود به مراکز مجازی که از طرف وزارت بهداشت مشخص می‌گردد مراجعه و نسبت به درمان و بازپروری خود اقدام نمایند.

معتادان مذکور، در طول درمان و بازپروری از تعقیب کیفری جرم اعتیاد معاف می‌باشند. در این اصلاحیه برای اولین بار موضوع پیشگیری از اعتیاد در قانون مبارزه با مواد مخدر کشورمان مورد توجه واقع شد.

باتوجه به همه تغییراتی که در کیفیت و کمیت قوانین داده شده است، لکن تاکنون قادر به ایجاد مانع و رادع قوی در پیشگیری از این جرم نشده‌ایم.

شناخت انگیزه و علت وقوع جرم، عامل مهمی برای پیشگیری از وقوع جرایم می‌باشد. لذا اصل اساسی همان ریشه‌یابی جرم و پیشگیری از وقوع آن است. باتوجه به نظر کارشناسان و تحقیقات انجام شده، قاچاق مواد مخدر در جامعه، یک پدیده اقتصادی است و علاوه بر نیاز اقتصادی، ایجاد جو تکاثرطلبی در جامعه که همه برای رسیدن به ملک و املاک و ماشین لوکس از یکدیگر سبقت می‌گیرند، در مناطق مساعد موجب گرایش به اعمال خلاف جهت رسیدن به ثروتهای بادآورده می‌شود و شرایط طبیعی در جریان توسعه نامتوازن اقتصادی و یکسویه نیز این است که سطح زندگی عده‌ای از افراد جامعه به سرعت تغییر می‌کند و احساس عقب‌ماندگی در مابقی افراد منجر به عکس‌العمل و یا انفعال می‌گردد.

در این میان، افرادی که به علت شرایط روحی، موقعیت جغرافیایی و شرایط محیطی آمادگی لازم را داشته باشند، به قاچاق روی می‌آورند تا بدین وسیله خود را هم‌سطح

دیگران نگه دارند. در این فرآیند، با برخورد‌های انتظامی و قضایی نیز نتوانستیم از قاچاق مواد مخدر جلوگیری نماییم، حتی اعدام نیز چاره قطعی نبوده است؛ زیرا مادامی که بتوان از راه قاچاق از بسیاری از شهروندان که کار و تلاش می‌کنند بهتر و راحت‌تر زندگی کرد، ما با این پدیده مواجه خواهیم بود.

عده‌ای به دلیل بیکاری، درآمدشان از این راه است و برخی نیز به لحاظ فقر شدید مالی و از روی استیصال، به قاچاق می‌پردازند. لذا تصور اینکه با حربه انتظامی و قضایی می‌توان آن را از بین برد، یک تصور نادرست و غیرواقع بینانه است.

ارزش افزوده قاچاق نیز یک امر انکارناپذیر است و تا زمانی که جایگزین مناسبی برای درآمد مذکور پیش‌بینی نشود، مجازات اعدام هم بی‌اثر است. با قوه قهریه می‌توان آن را مهار نمود، اما نمی‌توان آن را علاج کرد. از طرفی، وقتی در کشور کسی با کار کمتر، از رفاه بیشتر برخوردار است و دیگران حتی با تلاش زیاد از حداقل امکانات رفاهی هم برخوردار نیستند، بطور طبیعی زمینه را برای قاچاق فراهم کرده‌ایم. می‌توان مرتکب قاچاق مواد مخدر را اعلام کرد، ولی آیا با این کار نابرابری در جامعه تغییر می‌کند؟

بنابراین، علاج این پدیده صرفاً مبارزه با عرضه مواد مخدر در جامعه نیست، بلکه مستلزم تغییر سیاستها و جهت‌گیریهاست. لذا پیشنهاد می‌شود برای کاهش مشکلات ناشی از فقر و بیکاری و همچنین جایگزینی مشروع به جای درآمد ناشی از قاچاق مواد مخدر، خصوصاً در مناطق مرزی، اولاً: دولت اقدام به سرمایه‌گذاری بنیادی (ساخت کارخانه‌های مادر، توسعه زیربنایها و غیره) بنماید، ثانیاً: نسبت به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و مناسب خصوصاً در مناطق

محروم اقدام نماید، ثالثاً: امکان مبادلات تجاری روان بدون دخالت نابجا و مقررات سختگیرانه بخش دولتی فراهم گردد. رابعاً: با تحقق شعارهای عدالت اجتماعی و توسعه متوازن اقتصادی، شکاف بین فقیر و غنی (فاصله طبقاتی) را کم کنیم و دامنه تبعیضها را در جامعه نیز کمتر نماییم، خامساً: باتوجه به موقعیت کشور، تدابیر لازم برای ترانزیت کالاهای مجاز اتخاذ گردد تا از این طریق درآمد سرشاری نصیب کشور گردیده و از طرفی، ورود و خروج مواد و انسانها نیز مورد کنترل بیشتری قرار گیرد، سادساً: از آنجا که مبارزه صرف با عرضه مواد مخدر در جامعه چندان کارساز نیست، به موازات آن نسبت به کاهش سطح تقاضای. از طریق انجام اقدامات درمانی و پیشگیری اهتمام ورزیده شود.

و نهایتاً، بایستی این مبارزه را از حمایت مردمی برخوردار نموده و زمینه مشارکت عمومی را در این مبارزه فراهم نماییم؛ زیرا تا زمانی که مبارزه با مواد مخدر صرفاً یک مبارزه دولتی باشد، موفقیت حاصل نخواهد شد. در پایان به توصیف انواع شایع مواد مخدر و عوارض جسمی و روانی ناشی از آنها می‌پردازیم:

- ۱ - تریاک: از گیاه خشخاش به دست می‌آید که معمولاً رنگ قهوه‌ای سبز که بویی شبیه به آمونیاک یا ادرار مانده دارد. (منشأ هروئین، کدئین و مرفین نیز از همین ماده است.)
- ۲ - سوخته تریاک: پس از مصرف تدریجی (کشیدن) تریاک ماده‌ای به رنگ قهوه‌ای سوخته و براق به دست می‌آید که سوخته نام دارد.
- ۳ - شیره تریاک: سوخته تریاک را در آب حل می‌کنند و می‌جوشانند سپس آن را از

صافی عبور می دهند آنچه باقی می ماند "تفاله" نام دارد و محلول حاصل را مجدداً حرارت می دهند با این کار ماده خمیری به رنگ قهوه‌ای روشن به دست می آید که شیره نام دارد.

۴ - هروئین: یکی از مشتقات نیمه مصنوعی مرفین است، هروئین پودر بسیار نرم و سفید رنگی است که اشکال بسیار ناخالص آن قهوه‌ای رنگ می باشد.

۵ - کدئین: ماده سفید رنگی است که به صورت قرصهای خالص یا به صورت ترکیب با استامینوفن یا شربت‌های ضدسرفه مورد استفاده معتادان قرار می گیرد.

۶ - مرفین: پودر سفید یا کرم رنگ تلخ مزه و بی بویی است. مرفین به صورت آمپولهای ۱۰ و ۲۰ میلی گرمی مورد مصرف پزشکی نیز قرار می گیرد.

۷ - حشیش: از شاخه‌های گیاه شاهدانه است و از بوته‌ای شبیه به گزنه به دست می آید و ماده‌ای به رنگ سبز خاکستری و گاهی قهوه‌ای مایل به سبز با فوآمی سفت است.

۸ - ماری جوانا: ماده‌ای شبیه توتون، سبز رنگ و زبر است که به روش تدخینی مصرف می شود.

۹ - کوکائین: ماده‌ای بلوری سفید رنگی است که از برگ‌های گیاه کوکا به دست می آید.

آثار مصرفی مواد افیونی:

آثار مواد افیونی تا هشت ساعت پس از مصرف باقی می ماند. تغییرات رفتاری و روانی (ابتدا سرخوشی و سپس بی تفاوتی، کج خلقی و پرخاشگری، بیقراری یا کندی و اختلال قضاوت)، تهوع و استفراغ، کاهش احساس درد، احساس گرما و گرفتن و خارش بینی، سنگینی دست و پا و رخوت، خشکی دهان، کاهش فشارخون، انقباض مردمک، انقباض عضلات صاف حالب و مجاری صفراوی، افت عملکرد شغلی و اجتماعی است.

عوارض مصرف طولانی مواد افیونی:

اعتیاد، بیوست مزمن، تیره شدن رنگ پوست، کاهش میل جنسی و اختلال نعوظ در مردان، به هم خوردن دوره‌های قاعدگی در زنان، کاهش وزن و سوء تغذیه، پایین آمدن سطح سلامتی به علت بی توجهی به وضعیت بهداشتی و مراقبت‌های فردی، تغییر ساعت خواب و بیداری، خواب آلودگی و چرت زدن در طول روز، افسردگی، عفونتهای پوستی، کزاز، ایدز، هپاتیت ب و انتقال آنها به دیگران.

ای پسر جنذب! در راه خدا (با مؤمنان) دوستی کن، به «عروة‌الوثقی» دستاویز محکم «قرآن»، چنگ زن، و به (رشته) هدایت در آویز تا عملت پذیرفته شود....

ای پسر جنذب! اگر خواهی در سرای (رحمت و نعمت) خداوند جلیل در جوار او باشی و در باغ فردوس مسکن گیری، باید دنیا در نظرت خوار، و مرگ در برابر چشمت باشد. چیزی برای فردا ذخیره نکنی. و بدانی که هر چه پیش فرستی به سود توست و هر چه پشت سر گذاری به زیانت.

پسر جنذب! هر که از عایدات خود بهره نگیرد، برای دگران جمع می کند. هر که از هوئی (هوس) پیروی کند، اطاعت دشمن کرده است.

هر که به خدا اعتماد کند، کار دنیا و آخرتش را کفایت فرماید و همه چیزش را در غیابش حفظ کند و هر که برای هر بلا صبری، و برای هر نعمت شکری، و برای هر مشکلی حلی، نیندوخت، درماند.

به خدا امیدوار باش، نه چندان که به گناه دلیرت کند. از خدا بترس نه آن سان که از رحمتش ناامیدت سازد.

به گفتار و ستایش جاهل هرگز مغرور نشو که باعث تکبر و گردن فرازیت گردد و کردارت در نظرت جلوه کند، چه بهترین عمل، عبادت و تواضع است... به قسمت خدایی بساز و جز به آنچه داری میندیش. آنچه را نمی توانی به دست آری، آرزو مکن که قناعت کار سیر شود و هر که قناعت ندارد، سیری ندارد. بهره خود را از آخرت بگیر. در توانگری سرمست مشو. در تنگدستی بیتابی نکن. در شتخوی و سنگدل مباش. سست (و بی حال) مباش که آشنایان تحقیرت کنند.